



روزهای سخت پیش روی لیبی با فوتبال، جنگ را به حاشیه می رانیم

چک ، قهرمانی را می خواهد

۱۴



هیچ وقت نشده با تیم های بزرگ بازی کنیم

شور، همه آن چیزی که نداریم

دفاعیه سرمربی تیم ملی فوتبال

۱۵



سامره: بین من و استقلال مسائلی هست که

رونالدینیو به جای کریمی

کت و شلوار تیم ملی

دقیقه صفر

تنها رویاپردازی نجاتمان خواهد داد

حمیدرضا ابک

Hamidreza-abak@yahoo.com

عقلانیت موفق! تنها رویاپردازی نجاتمان خواهد داد. فرانسوی ها، آلمانی ها، برزیلی ها و حتی ژاپنی ها اسب هایشان را نعل فولادی زده اند تا سربلند رزمگاهی باشند که دیگر تبدیل به عرصه اثبات حقانیت ها شده. سرزمین های کوچک و بزرگ پهلوانانشان را روانه آوردگاه سبز کرده اند تا مرهمی بیابند بر همه حقارت ها و ناکامی هایی که تاریخ، این پیر نامرد لعنتی، بر سرشان آورده است. اینجا فقط رزم به کار می آید. لیبرالیست ها، سوسیالیست ها، صاحبان کارتل های عظیم اقتصادی و تجاری و قهرمانان عرصه سیاست و دیپلماسی، ماست هایشان را کيسه کرده اند. اینجا فقط مبارزه به کار می آید. آمریکایی ها تمام حیثیت ابرقدرتی شان را جمع کرده اند تا مبدا مقهور سیاه پرستان غنایی شوند که حتی برای نان شبشان محتاج آنآند. پابرهنه های ترنیندا و توباگو وحشتی بر دل و جان استعمارگران پیر تاریخ انداخته اند تا دریابند، کفش و گوشواره هزاران دلاری دیوید بکام شیشزی در این کارزار نمی ارزد. اینجا فقط چنگ و دندان به کار می آید.

اینجا حقارت، کسب و کار خودباخته ها است. ما آمده ایم تا با اقتدار از گروهمان صعود کنیم. آمده ایم تا فیگو، دکو و کریستیانو رونالدو را در زباله دان تاریخ له کنیم. آمده ایم تا بورگی، رافائل مارکز، تورادو و کلودیو سوارز را سکه یک پول کنیم. به آنگولایی ها رحم می کنیم. جوانمردیم. حریف های تمرینی را له نمی کنیم. ما آمده ایم تا استادبوم های آلمان را از حضور ایران در یک هشتم نهایی حیرت زده کنیم. ما آمده ایم تا فیصر بکن باوئر ببینا را از کرکری پشیمان کنیم. ما شگفتی ساز جام جهانی ۲۰۰۶ نیستیم، قهرمان آیم.

ساکسیفون را از سر گذاشد نواخته اند آنها که چپ و راست در روزنامه ها و تلویزیون اصرار می کنند همین که ایران به جام جهانی رفته مایه افتخار است. سوراخ دعا را گم کرده اند آنها که می گویند توقعات مردم را نباید بالا برد. توقع ما بالاست؛ قهرمان نشوند دل آزرده می شویم.

۲۰۰۶ آلمان پیوند واقعیت است با رویاهای ما کودکان دیروز و امروز مطمئن باشید همه کودکان ایرانی در ذهنشان ۶۴ بازی جام جهانی را برگزار کرده اند و قهرمانشان را هم مشخص. آنها انگلیس و آمریکا را در مقدماتی به گونا فنا فرستاده اند و ایران و برزیل را به فینال. مردانگی کرده اند اگر در ذهنشان برزیل را له و لورده نکرده اند و حرمت نگاه داشته اند اگر نتیجه فینال را به ماکول کرده اند به ضربات پنالتی. اما یقین داشته باشید که رونالدینیو، تمام تکبرش را پشت ضربه پنالتی آخر جمع خواهد کرد. اما چه باک. ضربه او تنها به تیر دروازه خواهد خورد تا ایرانی ها پیشکسوتی برزیل را پاس داشته باشند. چاره ای نیست. ایران قهرمان جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان است.

کارشناسان روحیه پزوهی در فوتبال ما و متخصصان نفوس بد، هرچه داشته اند روی میز ریخته اند تا بگویند نتیجه جام جهانی برای ما اهمیت ندارد. این حرف ها نیست آقایان (که دخترکارن دانش آموز ما جسورتر از اینند که از حالا بترسند). ترسوها را نخواهیم بخشید.

بازی مکزیک و فرانسه را دیده ایم قرتی بازی های رنگی را هم می شناسیم. آقای برانکوی عزیز. آقای دکتر دادکان. اگر می خواهید به توصیه این کارشناسان به جام جهانی بروید لطفاً تعطیلش کنید. ما هنوز هم مست شعار «تومیسلاو یوویچ»ایم پیش از شروع جام جهانی که می گفت «اگر ده بار با آلمان بازی کنیم، یک بار برنده بازی خواهیم بود» آن هم در جام جهانی. »

همین کارشناسان عزیز پیش از آغاز جام جهانی ۱۹۷۸ چنان ریشه ای از هیبت هلند بر تن قهرمانان ما انداخته بودند که پیش از بازی گمان می کردند اگر در میدان حاضر نشوند، سربلندترند. اصلاً انگار رسم ماست. وقتی همه چیز قرار است معقول و منطقی پیش برود، هوچیگران عالمیم. اما هنگام رجز خوانی که می شود در سوراخ های احتیاط فرو می رویم و پشت دیوار حقیر عقلانیت چمباتمه می زنیم.

شعارهای تیم های دیگر را ببینید. شعار رسمی ما صلح و عدالت است، آری، برای تمام جهان صلح و عدالت آرزو می کنیم اما بعد از اینکه در زمین سحرآمیز فوتبال مقهورشان کردیم. شعار ما این است: نابودتان می کنیم.



علی پروین در جریان بازی ایران و آمریکا

مکزیک و پرتغال را می برید

آری هان: اگر روز خوبتان باشد

امیر عربی و علی فولادی، شرق: از آری هان پرسیدیم:

«شما به اطرافیانتان خیلی از بالا نگاه نمی کنید» و شنیدیم که گفت: «من فقط صریح حرفم را می زنم، عادت ندارم تظاهر کنم.» و چنین بود که ما در پس هر سوالی که می پرسیدیم منتظر یک جواب نا متعارف از او بودیم. گفت وگویی ما در طبقه چهارم باشگاه پرسپولیس انجام شد و یک ساعت طول کشید، در شرایطی که آری هان

بلبیت به دست آماده بود تا ما ضبط را خاموش کنیم و او ساکنش را جمع کند و از ایران برود. اواسط مصاحبه بود که حسین قدوسی هم به ما پیوست و چند سؤال خیلی خوب پرسید. حیف مربی پرسپولیس آن قدر عجله داشت که نشد سؤال های بیشتری از او ببرسیم. بقیه سؤال های

ما ماند برای دفعه بعد. فقط خدا کند که او دوباره به ایران بازگردد.

□

نکونام: ازدحام بود

جواد نکونام مرد همه کاره خط میانی ایران است و اگر او خوب باشد تیم ایران هم نرم و روان بازی می کند، اما برانکو در بازی با کرواسی سه هافبک دفاعی گذاشته بود که این ازدحام روی کار هر سه آنها تاثیر گذاشته بود. «بازی خیلی خوبی بود اما فکر می کنم در دیدار با بوسنی شرایط تیم بهتر خواهد شد. اما مشکل من در این بازی این بود که نمی دانستم چه کسی باید چه کاری را انجام دهد. من، آندو و سهراب بختیاری زاده هر سه یک کار را می خواهیم انجام دهیم.»

□

برهانی: مطمئن بودم گل می زنم

برای آرش برهانی حتی ۲۰ دقیقه هم کافی بود تا بتواند شم گلزنی اش را به همه نشان دهد. او که با بستن قرارداد با النصر خیالش از آینده راحت شده اکنون ذهنش را به جام جهانی معطوف کرده است. «بازی بسیار خوبی بود، به خطبخی گفته بودم اگر به من بازی دهند گل می زنم چون خیلی آماده هستم و در سوئیس با تمرینات برانکو کاملاً احیا شدم. حتی اگر مدافع کرواسی هم اشتباه نمی کرد من در موقعیتی دیگر گل می زدم.» او باید برای النصر گلزنی کند و به نظر می آید از تیم جدیدش راضی است اما خیلی ها اعتقاد دارند که آرش باید به اروپا می رفت. «دوست دارم اولین تجربه خارجی ام کنار ایران باشد و مطمئن هستم در النصر موفق خواهم بود. اما شما نگران اروپا نباشید چون قراردادم را طوری بسته ام که اگر پیشنهاد خوبی داشته باشم خیلی راحت از النصر جدا شوم. در ضمن من هنوز ۲۲ سالم است و حداقل ۱۰ سال دیگر می توانم بازی کنم.»

□

برانکو جمعه در آیند هوون

برانکو ایوانکوویچ آخرین اطلاعات را از حریفان ایران جمع آوری می کند و او خوب می دانند که دیدارهای یابانی تیم چقدر باارزش است و می توانندبهترین اطلاعات را از بازی های آخر

مکزیک، پرتغال و آنگولا کسب کند. به همین

دلیل او هومن افاضلی را به فرانسه فرستاده است تا پرتغال را مقابل لوکزامبورگ زیر نظر بگیرد و همچنین خودش هم روز جمعه به آیندهوون هلند می رود تا دیدار حساس و بااهمیت هلند-مکزیک را نگاه کند تا آخرین یادداشت های خود را از اولین حریف ایران بردارد. ایوانکوویچ از هلند به آلمان خواهد رفت تا به اردوی ملی پوشان در شهر فریدریش هافن اضافه شود.

خوب تربیت نمی شوند. به نظرم به جای آوردن مربی

خارجی باید در تربیت مربی ایرانی کوشید و آنها را به کلاس های خارجی فرستاد و آنها را با علم روز فوتبال آشنا کرد.

■ **شما اگر رئیس کمیته آموزش فدراسیون فوتبال ایران بودید اولین نکته ای که به مربیان ایرانی می آموختید چه بود؟**

مهمترین چیز برای یک مربی بازیخوانی است. بازیخوانی هم یک چیز ذاتی است. آن چیزی که من تو وجودم هست را نمی توانم به کسی یاد بدهم. آخرین متدهای دنیا را می توان آموزش داد، اما باز هم آنجایی که باید اشتباهات بازیکنان را فهمید و به آنها گوشزد کرد به تجربه نیاز است. باید خود آدم تجربه کرده باشد تا بتواند یاد بدهد. اینکه چگونه بدنسازی کنند، کی فشار بیاورند، کی فشار نیاورند، همه اینها را می شود به مربیان یاد داد، اما آن احساسی را که یک مربی باید داشته باشد، آن چیزی که باید تو وجود یک مربی باشد را نمی شود به کسی یاد داد.

■ **وقتی دوباره می خواستید به ایران بیاید، ترسیدید که آن اتفاقات دوباره بیفتد؟**

وقتی با آقای انصاری فرد صحبت کردم، گفتم برویم ایران ببینیم چه امکاناتی داریم.

وقتی آمدم دیدم که اینها واقعا مرا می خواهند و هم هدف دارند و هم برنامه. بعد دیدم که پرسپولیس، پتانسیل بالایی دارد. بنابراین تصمیم گرفتم همه دست به دست هم دهیم و پرسپولیس را دوباره زنده کنیم. در عین حال برای من این خیلی مهم است که مربی تیمی شوم که تماشاگران زیادی دارد. اصولاً برای ما

مربیان فوتبال کار کردن در جایی که مردمش دیوانه فوتبال هستند، خیلی مهم است.

■ **با کسی هم مشورت کردید؟**

با ایشان (خشاریار محسنی) صحبت کرده بودم.

■ **نه، با مربیانی که قبلاً در ایران کار کرده بودند و به مشکل برخورد بودند. . .**

من اصلاً نمی دانستم که مربیان خارجی که آمده بودند مشکل داشتند. من نمی خواهم انتقاد کنم از مطبوعات ایران، اما باید وجدان داشته باشند. اما در ایران خیلی ها غرض ورزی می کنند. انتقاد خوب است، اما نباید از

پروین را هم در همین برنامه بازی هایش را دیدم که دو سه تا نفوذ خیلی خوب کرد و چند تا سانتر خوب داشت که یکی دو تایش تبدیل به گل شد. فکر نمی کردم او بازیکن سریعی بوده باشد. الان بعید است بتواند این جوری استارت بزند. مثل خودم.

■ **بازیکنان ایران از اینکه مقابل شما قرار گرفته بودند، ترسیده بودند؟**

ما قبل از بازی که وارد زمین شدیم احساس می کردیم (نمی خواهم کلمه ترس را به کار ببرم) اینها از ما حساب می برند، در برنامه نود که صحبت های بازیکنان قدیمی ایران را گوش می کردم تازه فهمیدم که اینها چقدر از ما ترسیده بودند.

■ **۱۵ سال بعد شما برای سرمربیگری تیم ملی به ایران آمدید و چند روز بیشتر دوام نیاوردید. برای بازگشت به**

اروپا خیلی زود تصمیم نگرفتید؟

اولین بار سفیر ایران در بن آمد با من صحبت کرد. حرف هایی که درباره ایران می زدند خیلی خوب بود. اما از بن پایم را که گذاشتم ایران دیدم همه آن وعده ها و تعریف ها روز به روز دارد ضعیف تر می شود. چیزی

که خیلی من را ناراحت کرد، این بود که آمدم ایران دیدم برایم ویزا نگرفته اند. آن وقت بود که گفتم وقتی فدراسیون یک کشوری نتواند برای یک مربی ویزا بگیرد، من باید بروم. بعدها دیدم که امکانات لازم هم برای کارکردن من وجود ندارد پس ترجیح دادم که بروم.

■ **ماجرای وانت چه بود؟**

یادم نمی آید اصلاً.

■ **فکر می کنید اگر مانده بودید و کار کرده بودید حالا چه اتفاقاتی در فوتبال ایران افتاده بود؟**

اینها همه اش فکر است. نمی توانم جواب این سؤال را بدهم.

■ **به نظر شما ایران به چند مربی از جنس آری هان نیازمند است؟**

مهمترین چیزی که یک مربی مجاب می شود بیاید در ایران کار کند این است که کسی در کارش دخالت نکند. متأسفانه اکثر مربیانی که تا حالا آمده اند سفارش پذیر بوده اند درحالی که باید کار خودشان را می کردند و به حرف کسی گوش نمی دادند. در مورد سؤال شما باید بگویم که در ایران مربیان خوبی هستند. اگر نباشند بازیکنان

ورزشی